فصل‌نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه‌وسوم، بهار ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی، صفحات ۷۷-۱۰۴

قدرت سیاسی و تحول هویت شهری قاهره در عصر ایوبی

زینب فضلی[۱]

چکیده

با روی کار آمدن صلاح‌الدین ایوبی در ۵۶۷ دوران تاریخی جدید و متفاوتی در تاریخ شهر قاهره آغاز شد. در آن دوره قاهره پایتخت دولت جدید حاکم بر مصر شد اما بافتار شهری آن تحت تأثیر سیاست‌های ایوبیان اعم از توسعه شهری و تغییر بافتار اجتماعی و مذهبی آن، دگرگون شد و از شهری فاطمی‌ـاسماعیلی به شهری سنی‌ـایوبی تغییر یافت. از این‌رو، این سؤال مطرح می‌شود که در دوره ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸) چگونه هویت تاریخی شهر قاهره تحول یافت؟ بنابر یافته‌های این پژوهش که با اتکاء بر روش شهرپژوهی تاریخی و با تأکید بر سه‌عنصر قدرت سیاسی، گستره جغرافیایی و هویت اجتماعی ـفرهنگی به انجام رسیده، قاهره در دوره ایوبیان در اثر اراده و قدرت سیاسی در سه بُعدِ توسعه عمرانی ـجغرافیایی، ساختار اجتماعی و بافتار فرهنگی دچار تغییر و تحول بنیادین شد. علاوه‌بر تخریب و از میان بردن مظاهر تمدنی و فرهنگی عصر فاطمی، قلعه‌الجبل بر روی کوه المقطّم ساخته شد و به جای قاهره فاطمی مرکز اداری و سیاسی شهر شد. همچنین، با بنای سور صلاح‌الدین، قاهره بزرگ ایجاد شد که مشتمل بر قاهره فاطمی، فسطاط، قطائع و قلعه‌الجبل بود. همچنین با حمایت حاکمان ایوبی مدارس متعددی در قاهره تأسیس و این شهر مرکز فرهنگی اهل سنت شد.

کلیدواژه‌ها: جزیره روضه، شهرسازی اسلامی، قاهره، قاهره ایوبی، قلعه‌الجبل، مصر اسلامی.

---

۱. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران.
z.fazli@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۱۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

Political Power and the Transformation of Cairo's Urban Identity during the Ayyubid Era

Zeynab Fazli[1]

Abstract

With the rise of Salah al-Din al-Ayyubi in 567 AH, a new and distinct historical period began in the history of Cairo. During this time, Cairo became the capital of the new ruling state in Egypt. However, its urban context was transformed by Ayyubid policies regarding urban development and changes in social and religious structures. Consequently, the city's identity shifted from a Fatimid-Isma'ili to a Sunni-Ayyubid one. Hence, this raises the question: How did Cairo's historical identity transform during the Ayyubid period (567–648 AH)? According to the findings of this study, which employs the historical urban studies method and focuses on three key elements—political power, geographical expansion, and socio-cultural identity—Cairo underwent fundamental changes in three dimensions: physical and geographical development, social structure, and cultural context, driven by political will and power during the Ayyubid period. In addition to the destruction and elimination of Fatimid-era cultural and civilizational landmarks, the Citadel of Jabal (Qal'at al-Jabal) was constructed on the Moqattam Hills and became the administrative and political center of the city instead of Fatimid Cairo. Furthermore, with the construction of Salah al-Din's defensive wall, Greater Cairo (al-Qahira al-Kubra) was formed, encompassing Fatimid Cairo, Fusṭāṭ, Qaṭā'i, and the Citadel of Jabal (Qal'at al-Jabal). With the support of the Ayyubid rulers, numerous madrasas were also founded in Cairo, transforming the city into a cultural center for Sunni Islam.

Keywords: Roda Island (Jazīrat al-Rawdah), Islamic Urbanism, Cairo, Ayyubid Cairo, Citadel of Jabal (Qal'at al-Jabal), Islamic Egypt.

1. Assistant Professor, Department of the History of Culture and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. z.fazli@alzahra.ac.ir

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

درآمد

در مطالعات تاریخی شهرهای اسلامی در کنار روند بنیان‌گذاری آنها، یکی از مسائل مهمی که می‌تواند مد نظر قرار گیرد، تغییرات و تحولاتی است که طی ادوار مختلفی موجب تغییر هویتی شهرها شده‌است. متأثر از رخدادهای تاریخی، شهرها نیز دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند. مسلمانان پس از تصرف سرزمین‌های مفتوحه تغییرات بسیاری را در کالبد و بافتار آنان ایجاد کردند. قاهره نیز که بنیان‌گذاری آن توسط مسلمانان صورت گرفت، متناسب با ادوار تاریخی هویت‌های مختلف و متعددی را به‌خود گرفته است. دولت‌ها و قدرت‌های سیاسی یکی از عوامل مهم و مؤثر در ایجاد ویژگی‌های جغرافیایی شهری و نیز حیات اجتماعی و فرهنگی شهرها به‌ویژه پایتخت‌های دولت‌های مسلمان بوده‌است (گرابار، ١٦). عوامل دینی و مذهبی نیز در این مهم تأثیر قابل توجهی داشت (نک. فایز الحارثی، ١١٨–١١٩). اگرچه با در پیش گرفتن نگرشی واقع‌گرایانه نباید همه تحولات تاریخی در بستر شهرها را به عامل قدرت سیاسی تقلیل داد، اما دولت به‌ویژه در اعصار پیشامدرن به‌عنوان عامل اصلی نظم جامعه شهری و در بیشتر مواقع به‌عنوان مهم‌ترین کارگزار عمرانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری یا تغییر هویت و بافتار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شهرها داشته است.

شهر قاهره در ٣٥٨ به‌مثابه یادمانی برای پیروزی و تفوق فاطمیان بر رقبای سیاسی و عقیدتی و برای پایتختی این دولت بنیان نهاده شد. این شهر که از منظر موقعیت جغرافیایی در شمال‌شرقی شهر فسطاط، در کنار ترعه موسوم به خلیج امیرالمؤمنین (خلیج قاهره) قرار گرفته بود (نک. ابن‌زولاق، ٥٥–٥٦؛ ابن‌ظهیره، ١١١ـ١١٣؛ أیمن فؤاد سید، ٦٧)، منطبق با سیاست بانیان خود هویتی فاطمی‌ـاسماعیلی یافت. با این اوصاف، بعد از دو قرن، زمام قاهره در تسلط ایوبیان قرار گرفت (٥٦٧) که از منظر سیاسی‌ـمذهبی مخالف فاطمیان بودند. با دست به دست شدن قدرت در مصر از فاطمیان به ایوبیان، بار دیگر تسنن در مصر رسمی شد. ایوبیان اقدامات مختلفی با هدف ایجاد تغییر در هویت قاهره انجام دادند و تلاش کردند تا قاهره به شهری ایوبی‌ـسنی تحول یابد. از این‌رو پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از روش

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

شهرپژوهی تاریخی[1] از جمله روش‌های مرسوم در مطالعات تاریخی شهرها،[2] چگونگی تحول تاریخی در هویت قاهره طی دوره ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸) را تبیین کند. بنابراین روش مطالعاتی، اوضاع و شرایط، مسائل، تغییراتِ فیزیکی ـجغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و هویتی شهرها در یک دوره تاریخی مشخص بر اساس مستندات و منابع تاریخی و با هدف شناخت روند تکاملی شهرها بررسی و عوامل مؤثر و نقش‌آفرین در تغییرات رخ داده در مقایسه با دوره یا ادوار پیشین تبیین و تحلیل می‌شود. بدیهی است که برای انجام این مهم به‌مانند هر مطالعه تاریخی درباره شهرهای سده‌های نخستین اسلامی به ناگزیر باید از توصیف‌ها و گزارش‌های منابع بهره گرفت (نک. الصیاد، ۵۵). برای بازنمایی این تحولات بر اساس الگوی این شیوه مطالعاتی سه عنصر عاملیت قدرت سیاسی، تغییر گستره جغرافیایی و دگرگونی هویت اجتماعی‌ـفرهنگی شهر قاهره مدّنظر قرار گرفته است. آنچه چنین مطالعه‌ای را ضرورت می‌بخشد اینکه در کنار موقعیت جغرافیایی مناسب شهر قاهره، آنچه موجب استمرار حیات این شهر در ادوار بعد از فاطمیان به‌عنوان پایتخت دولت‌های غالب بر مصر را ممکن کرد، تحول هویتی متناسب با دولت‌های حاکم بر آن بوده‌است.

پیشینه پژوهش

درباره شهر قاهره در ادوار تاریخی پژوهش‌های متعددی منتشر و در آنها درباره وضعیت شهر در عصر ایوبیان نیز سخن رانده شده‌است. مقاله «قاهره»[3] مندرج در *دائرةالمعارف اسلام* به قلم روجرز[4] (1997) عمدتاً به بناهای این شهر در عهد ایوبی پرداخته است. ایمن فواد سید (۲۰۱۵) نیز در فصل سوم *القاهره خططها و تطورها العمرانی* تحت‌عنوان «قاهره الأیُّوبیین» به شیوه مرسوم خططنگاری آمیخته با تاریخ‌نگاری شهری نوین، تحولات قاهره در دوران ایوبیان را بررسی می‌کند. ماکنزی

1. Urban History.
2. Historical Urban Studies.
3. Al-Ḳāhira.
4. Rogers.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

(۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود بـه بررسـی تـاریخ شـهری قـاهره بـا محوریـت تغییـرات توپوگرافیک آن دوره پرداخته که در نوع خود مطالعه ارزشمندی است. همچنـین کتـاب *عمران القاهره و خططها فی عهد صلاح‌الدین الأیوبی* نوشـته فـایز الحـارثی (١٤٢٠) بـه بررسی تاریخی فعالیت‌های عمرانی شهر قاهره و نیز عوامل مختلف دخیل در تحـولات شهری آن در دوره صلاح‌الدین پرداخته است. لازم به‌ذکر است که در مطالعات مربـوط به دوره ایوبیان نیز گاه درباره قاهره به‌عنوان پایتخت این دولت مباحثی ارائه شده‌اسـت. با این همه موضوع تأثیر قدرت سیاسی بر تحول هویت شـهری قـاهره در دوره ایوبیـان در تحقیقات بالا چندان مورد توجه نبوده‌است.

درآمدی تاریخی بر قاهره فاطمی

در تاریخ شهرسازی اسلامی قاهره از جمله شـهرهایی اسـت کـه به‌دسـت خانـدانی حکومتگر بنیان نهاده شـده‌اسـت (گرابـر، ١٨). قـاهره از زمـان بنیان‌گـذاری آن توسـط فاطمیان در ٣٥٨ هجری (نک. مقریزی، *الخطط*، ١٧١/٢، ٢٢٠؛ ابن‌حماد، ٨٤؛ ایمن فـواد سید، ٦٧؛ أحمد، ٧٣) تا دوران کنونی، همواره از شهرهای بـزرگ و مهـم جهـان اسـلام بوده‌است. این شهر در بیشتر ادوار تاریخی، به‌جز دوره تسلط عثمانیـان، پایتخـت بـود. قاهره نخستین، طرحی چهارگوش داشت که سورهایی آن را در برمی‌گرفـت (مقریـزی، *الخطط*، ٢٥٤/٢؛ ایمن فواد سید، *القـاهره*، ٦٩؛ جومـار، ٢٥). در قـاهره نخسـتین، قصـر بزرگ (قصر الکبیر) و جامع الازهر نیز پی‌افکنده شدند و خیابـانی اصـلی بـرای اتصـال نواحی مختلف آن سـاخته شـد (ایمـن فـواد سـید، ٧٠؛ AlSayya, "Space in an Islamic City", 116؛ Russel, 116). برای ورود و خروج به قاهره نیز نُـه دروازه ساخته شد که باب زَویلَه در جنـوب، بـاب‌الفتوح و باب‌النصـر در شـمال، از آن جملـه بودند (مقریزی، *الخطط*، ٢٦٧/٢).

بعد از انتقال پایتخت فاطمیان به قاهره در ٣٦١، این شهر روند توسـعه خـود را طـی دو قرن حاکمیت این سلسله شیعی طی کرد و به یکی از شهرهای پرآوازه جهان اسـلام تبدیل شد و از منظر سیاسی و تمدنی رقیبی جـدی بـرای بغـداد پایتخـت عباسـیان در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

عراق درآمد (Hodgson, 2/23). با محوریت قاهره «تمدن فاطمیان» پدیدار شد و این شهر به مرکز ثقل و قلب تپنده یکی از مراکز اصلی و مهم تمدن اسلامی تبدیل شد (نک. فضلی، «نسبت دوره فاطمیان...»، ٦٩-٧٣؛ حمزه، ٢٩). نکته مهم درباره قاهره این است که این شهر به واسطه حضور خلافت فاطمی، سیاست‌های اعمالی آنها و وجود و فعالیت نهادهای مذهبی-تبلیغی اسماعیلی مانند جامع‌الازهر و نیز سایر نهادها و بناهای سیاسی، اداری و مذهبی، هویتی اسماعیلی-فاطمی داشت و با وجود تغییرات مختلفی که از نظر فیزیکی و اجتماعی در آن دوره و تا اواخر دوره فاطمیان از سر گذراند، همچنان این ماهیت خود را حفظ کرد (نک. ایمن فواد سید، ٦٢-٦٥؛ فضلی، «قاهره فاطمی»، ٢٣٥ به‌بعد). با این اوصاف، آنچه از منظر تاریخ شهری و مذهبی قابل توجه است اینکه شهر قاهره در دوره ایوبیان ضمن استمرار این جایگاه سیاسی و مرکزیت تمدنی خود، به مرکزی فرهنگی- مذهبی برای مذهب تسنن در مصر و نیز جهان اسلام درآمد و هویتی جدید و متفاوت با دوره فاطمیان کسب کرد که تا زمان حاضر کم و بیش ادامه دارد. از این‌رو، می‌توان گفت که حاکمان ایوبی نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر بنیادین در هویت تاریخی شهر قاهره داشتند.

ظهور ایوبیان و الزامات تاریخی تغییر هویت شهر قاهره

تأسیس دولت ایوبیان توسط صلاح‌الدین ایوبی در ٥٦٧ را باید به‌عنوان حد فاصل زمانی قاهره فاطمی و قاهره ایوبی دانست. همانطور که جایگزینی ایوبیان به جای دولت فاطمیان را انقلابی در تاریخ سیاسی مصر به‌شمار می‌آورند. به موازات این تغییر، تحول مهمی نیز در هویت شهری قاهره آغاز شد. صلاح‌الدین (حک. ٥٦٧-٥٨٩) یک حاکم سنیِ باورمند درصدد بود تا مصر را از منظر مذهبی و سیاسی به حوزه مذهب تسنن بازگرداند (Lewis, 1/205). در کنار انگیزه‌های مذهبی، تلاش برای کسب مشروعیت از طریق جلب نظر اکثریت اهل‌سنت در جهان اسلام، خلفای عباسی بغداد و نیز دفاع از سرزمین‌های اسلامی در برابر صلیبی‌ها نیز در اتخاذ این سیاست صلاح‌الدین مؤثر بود (انصاری، ٨). در واقع، حاکمیت جدید مصر مصمم بود تا به‌مانند تغییر بنیادین در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

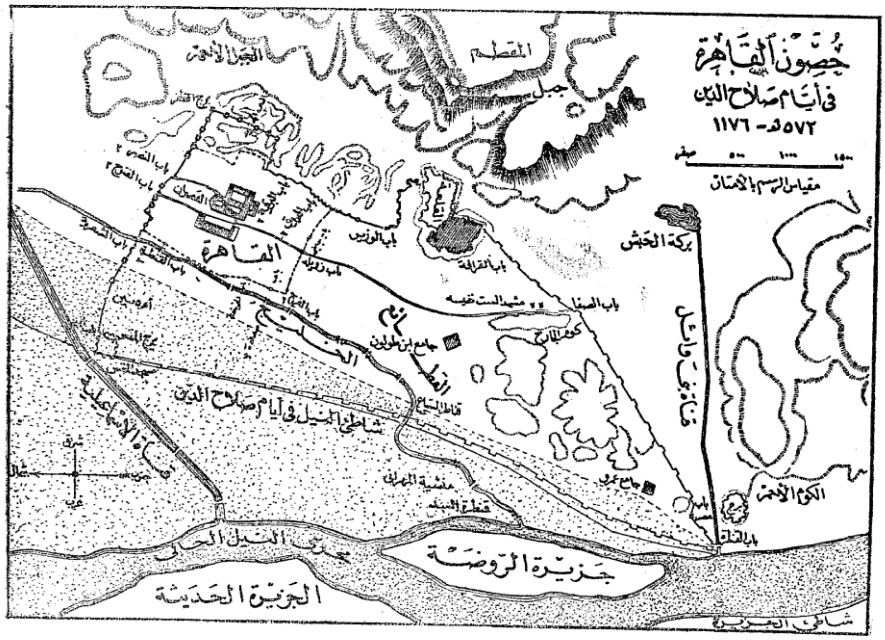
ساختار سیاسی، بافتار و ماهیت اجتماعی‌فرهنگی پایتخت را تغییر دهد. از این‌رو، با توجه به اینکه قاهره فاطمی نماد تمدنی حاکمیت پیشین محسوب می‌شد، اقدامات مختلفی برای کاستن از اهمیت آن به‌کار بسته شد (مقریزی، *الخطط*، ۲۲۳/۲؛ نیز نک. انصاری، ۹) تا در مسیر انحطاط قرار گیرد (AlSayyad, *Cairo*, 75). بدین ترتیب، از میان بردن مظاهر فرهنگی و تمدنی فاطمیان و دگرگونه کردن بافت اجتماعی و زیرساخت‌های قاهره، پایتخت فاطمیان آغاز شد (ایمن فؤاد سید، ۱۸٤–۱۹۰). با هدف زدودن میراث مادی و تمدنی فاطمیان، کتابخانه عظیم آنها، که از کتابخانه‌های باشکوه دوره اسلامی به‌شمار می‌رفت، از میان برداشته شد (اعظمی، ۸۵–۸٦) و به تلّ‌الکتاب تبدیل شد (مقریزی، *اتعاظ‌الحنفاء*، ۳۳۱/۳؛ همو، *الخطط*، ۳۵۸/۲). افزون‌بر این، به دستور صلاح‌الدین قصرهای فاطمیان خالی از سکنه شد (ابن‌تغری‌بردی، ۲۰/٦–۲۱) و بسیاری از بناهای مهم آن دوره از جمله کاخ‌های مشهور القصر الشرقی و القصر الغربی به‌دلیل بی‌توجهی عامدانه در مسیر ویرانی قرار گرفت (مقریزی، *الخطط*، ۲۲۲/۲–۲۲۳؛ زکی، *القاهره*، ٤۲).

اگرچه با توجه به موقعیت مناسب قاهره فاطمی جابجایی جمعیت شهر منطقی به‌نظر نمی‌رسید، تلاش شد ضمن ایجاد تغییراتی در کالبد آن، مرکز سیاسی و اداری به محلی در مجاورت قاهره فاطمی منتقل شود. بدین ترتیب، طرح بنای ارگ حکومتی به‌مثابه یک طرح عمرانی در قاهره ریخته شد تا از طریق آن تغییرات مد نظر در کالبد و ماهیت فرهنگی و اجتماعی شهر انجام گیرد. نکته مهم اینکه پیش از ایوبیان در قاهره قلعه‌ای وجود نداشت (بیومی، ۲۳٦). اغلب دلایل مختلفی برای بنای این ارگ توسط صلاح‌الدین مطرح می‌شود. در کنار برخی نگرانی‌ها که از جانب طرفداران فاطمیان متوجه دولت نوپای ایوبی بود، به‌ویژه اینکه صلاح‌الدین به‌ناگزیر برای مواجهه با صلیبیان باید به‌زودی قاهره را ترک می‌کرد (نک. مبارک، ۲۲/۱؛ بیومی، ۲۳٦)، به‌سبب شرایط سیاسی شامات، همچنان تهدید قاهره از سوی صلیبی‌ها محتمل می‌نمود؛ از این‌رو، تمهیداتی برای ارتقای امنیت شهر و ممانعت از دست یافتن مهاجمان به آن ضروری بود (نک. ایمن فواد سید، ۲۱۰). افزون‌بر آن، بناها، مراکز اداری و حکومتی و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

قصرهایی که فاطمیان در قاهره ساخته بودند، با توجه به اختلاف عقیدتی صلاح‌الدین با بانیان آنها، چندان مطلوب‌نظر بنیانگذار دولت ایوبیان نبود و او پیگیری اهداف مد نظر خود را از طریق قاهره فاطمی ممکن نمی‌دید (Lane-Poole, 119-120; Creswell, 1/26). نکته قابل توجه دیگر اینکه به‌واسطه این تغییرات و دگرگونی‌ها که به‌موازات ویرانی ابنیه فاطمی، با بنیان نهادن ارگ کوهستانی جدید برای قاهره و نیز ساختن باروی متفاوت و گسترده‌ای برای این شهر انجام گرفت، صلاح‌الدین فردی معرفی می‌شود که به صورت گسترده درصدد عمران و آبادانی به‌ویژه در قاهره برآمد (نک. مبارک، ۲۲/۱). با این اوصاف، ترکیبی از فعالیت‌های عمرانی و سیاست‌هایی برای دگرگونی در هویت اجتماعی و فرهنگی قاهره با خواستِ دولت ایوبی موجب شد تا برای تمایز بین این دو دوره، از قاهره عصر ایوبیان با عنوان «قاهره ایوبی» یاد شود.



تصویر شماره۱: قاهره در دوره صلاح‌الدین ایوبی (زکی، *القاهره*، ١٠٤)

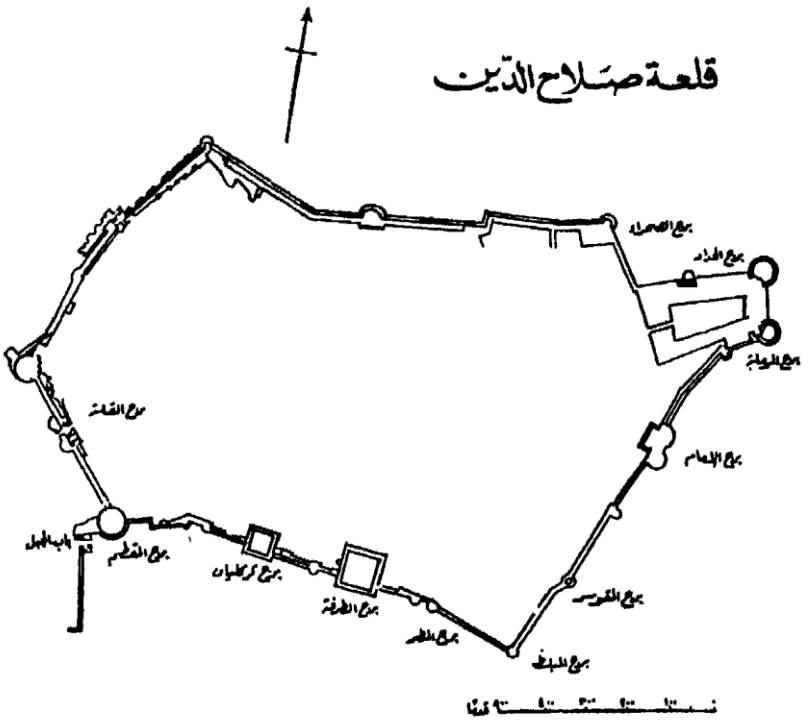
[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

قلعه‌الجبل، مرکز سیاسی و اداری قاهره ایوبی

تلاش صلاح‌الدین برای توسعه شهر قاهره به‌گونه‌ای که اهداف سیاسی‌ـعقیدتی او را توأمان محقق کند، منتهی به بنای ارگی مرتفع و پیوسته به قاهره فاطمی شد. برای انتخاب مکان مناسب برای ساختن ارگ مد نظر صلاح‌الدین، تمهیدات ویژه‌ای را در نظر گرفتند و در نهایت یکی از تپه‌های کوه المقطّم واقع در شرق قاهره مشهور به «قُبَّه الهَوَاء» برای بنای آن انتخاب شد (مقریزی، *الخطط*، ٦٣٨/٣، ٦٤٤؛ فیت، ۵۳). قُبَّه الهَوَاء از شرایط خاص طبیعی و کوهستانی برخوردار بود و این امکان را فراهم می‌کرد که از نظر استحکامات دفاعی شرایط بهتری در مقایسه با قاهره فاطمی داشته باشد و در عین حال آشکارا اقتدار ایوبیان را نیز نمایندگی کند. برخی بر این نظر هستند که ایده بنای قلعه‌ای بر روی کوه المقطّم در قاهره از آنجا ناشی شد که در آن دوره در شامات متأثر از معماری نظامیِ صلیبیان، ساختنِ برج و باروهای کوهستانی رایج شده بود و صلاح‌الدین در ایام پیش از رهسپاری به مصر، با این سبک بناهای نظامی و قلعه‌سازی آشنایی داشت. از این‌رو، ایوبیان بر خلاف فاطمیان، مکان مرتفع و با امکانات و استحکامات دفاعی طبیعی را بر شهر واقع در دشت ترجیح می‌دادند (کونئو، ۲۳۵؛ ایمن فواد سید، ۱۹۵؛ فهمی، «العماره قبل عصر الممالیک»، ۲۳۰). در حومه قاهره تنها کوه المقطّم از ویژگی‌های لازم برای برپا داشتن چنین ارگی برخوردار بود (نک. Lane-Poole, 119-120؛ کازانوفا، ۲۰، ۳۲-۳۳؛ برن‌ابویوسف، ۱۲۵-۱۲۶) و امکان اشراف بر مناطق پیرامونی افزون‌بر قاهره فاطمی همچون مصرقدیم (فسطاط)، رود نیل و قرافه را توأمان فراهم می‌کرد (مقریزی، *الخطط*، ۲۰۱/۲؛ جومار، ۲۲۷؛ نیز نک. تصویر شماره۱) و از نظر هوا نیز شرایط مطلوبی داشت (نک. ابن‌ظهیره، ۱۹۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]



تصویر شماره۲: باروها و برج‌های قلعه‌الجبل یا قلعه صلاح‌الدین (فکری، ۲۹)

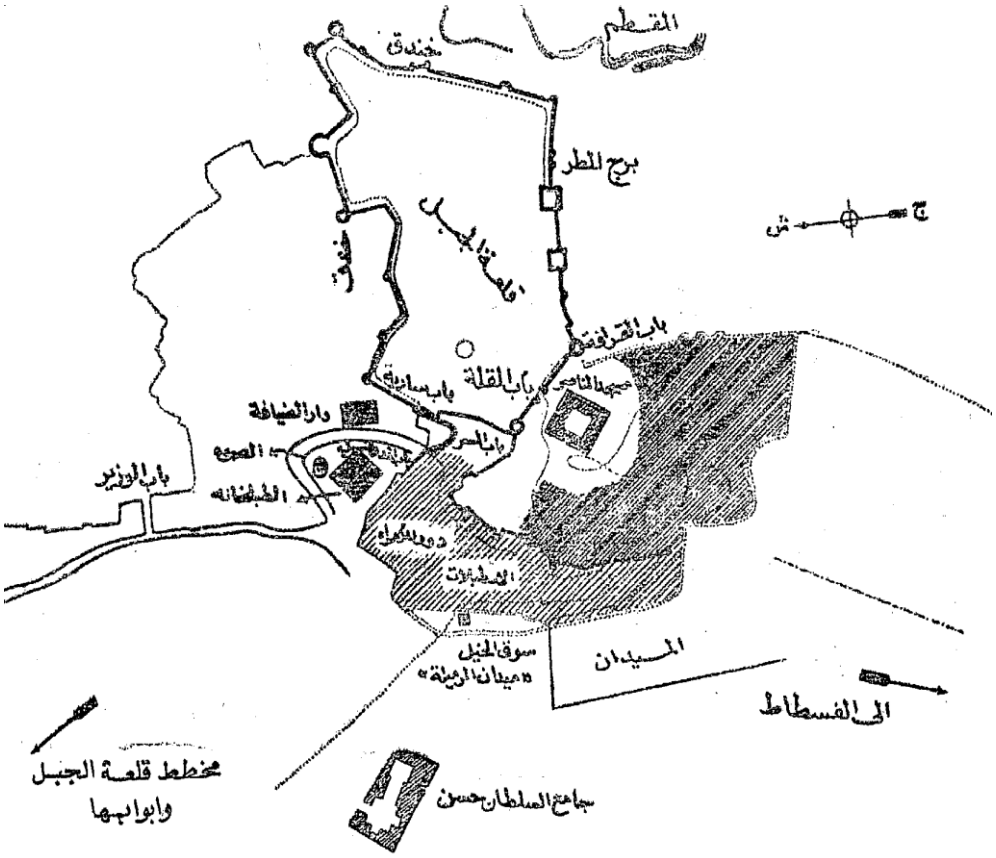
ارگ صلاح‌الدین که مظهر عینی توسعه قاهره در دوره ایوبیان محسوب می‌شود (فکری، ۱۸/۲)، حصاری چند ضلعیِ مستحکم با باروهای بلند و برج‌های استوانه‌ای بود (Creswell, 2/7-39 و طرح‌ـنقشه‌های مندرج در آن؛ کونئو، ۲۳٤؛ تصویر شماره ۲ و ۳). به دلیل موقعیت جغرافیایی کوهستانی و پیوستگی بناهای قلعه‌مانند آن، این ارگ از همان زمان بنای آن به «قلعه‌الجبل» (دژ کوهستانی) مشهور شد. امروزه از آن با نام قلعه صلاح‌الدین و نیز قلعه القاهره یاد می‌کنند (نک. کازانوفا، ۱۹). بنای قلعه‌الجبل به‌دستور صلاح‌الدین بر عهده وزیرش بهاءالدین قراقوش أسدی (متوفای۵۹۷) واگذار شد (مقریزی، *السلوک*، ٦۳/۱) و به همین دلیل نیز گاهی بنای آن به قراقوش نسبت داده می‌شود (ابن‌مقفع، مجلد۳، ۸۸/۲؛ ابن‌تغری‌بردی، ٥٤/٦، ۱۷٦). با توجه به اینکه در دوره

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

فاطمیان بناهایی در محل بنای قلعه‌الجبل ساخته شده بود، در مرحله آماده‌سازی، این بناها تخریب شدند (ابن‌عبدالظاهر، ۱۳۰؛ ماکنزی، ۱۰۲). تاریخ بنای تالار ۱۲ستونی قصر مجموعه قلعه‌الجبل به سال ٥٦٧ برمی‌گردد (جومار، ۲۳۲)؛ اما بر کتیبه باب‌المدرّج قلعه تاریخ بنای آن سال ۵۷۹ درج شده‌است (کازانوفا، ۷۱–۷۲؛ ماکنزی، ١٠٤–١٠٥). با این اوصاف، تکمیل بناهای قلعه‌الجبل در دوره ملک عادل (حک. ٥٩٦ـ٦١٥) ادامه یافت و در نهایت در دوره ملک‌کامل (حک. ٦١٥ـ٦٣٥) به پایان رسید (کونئو، ٢٣٤–٢٣٥). صلاح‌الدین، فرزندش ملک عزیز عثمان و برادرش ملک عادل سیف‌الدین اغلب به صورت پاره وقت در این قلعه سکونت می‌کردند تا اینکه در دوره سلطنت ملک عادل، وی با هدف سکونت دادن فرزند و ولی‌عهد خود ملک‌کامل محمد در قلعه‌الجبل، بنای آن را در ٦٠٤ تکمیل کرد. ملک کامل محمد نخستین فرمانروای ایوبی است که در این قلعه سکونت دائمی گزید. در دوره او بازار چارپایان نیز به رُمَیْله در پایین قلعه‌الجبل منتقل شد (ابن‌عبدالظاهر، ۱۳۱؛ قلقشندی، ۳۷۲/۳؛ مقریزی، *الخطط*، ۲۲۳/۲، ٦٣٨/٣، ٦٤٦؛ اسحاقی، ٢٦٩). به دنبال این تغییر، عمارت‌های مسکونی جدیدی در دوره این سلطان ایوبی در قلعه‌الجبل بنا شد که از جمله می‌توان به عمارت أیوان، کتابخانه، اصطبل سلطنتی و نیز برج‌المطار اشاره کرد (ابن‌عبدالظاهر، ۱۳۱؛ ایمن فواد سید، ۱۹۵؛ برن‌ابویوسف، ۱۲۸). تغییر مرکزیت سیاسی قاهره به قلعه‌الجبل به‌عنوان محل سکونت حاکم (سلطان ایوبی) و استقرار تشکیلات دیوانی و دولت (ایمن فواد سید، ۱۸۷)، بیش از آنکه یک جابجایی فیزیکی صرف باشد، اقدامی هوشمندانه و هدفمند بود که طی آن باید بافتار شهر قاهره از ماهیت فاطمی ـاسماعیلی آن فاصله می‌گرفت و با قرار گرفتن آن به‌عنوان مرکز اصلی تحولات شهری، زمینه تغییر و دگرگونی بنیادین در اجتماع و حیات فرهنگی آن را هم مقدور می‌ساخت. با این اوصاف، از زمان انتقال کامل مرکزیت اداری قاهره به قلعه‌الجبل تا پایان دوره ایوبیان و نیز در ادوار بعد از آن تا زمان محمدعلی‌پاشا حاکمان مصر در آنجا سکنی گزیدند (جومار، ۲۲۸؛ فکری، ١٤/٢).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]



تصویر شماره۳: قلعه‌الجبل و شهر قاهره (زکی، *القاهره*، ۱۰٤)

تأسیسات آبرسانی قلعه‌الجبل و بئر یوسف

به‌رغم قرار گرفتن قاهره در نزدیکی رود نیل، تـأمین آب شـهر یکـی از چالش‌هـای پیش‌روی دولت‌های حاکم بـر آن شـهر بـود. در ایـن میـان، فاصـله قابـل توجـه میـان قلعه‌الجبل و رود نیل و نیز اختلاف سطح این ارگ واقع بر روی تپه قُبَّه‌الهَوَاء بـا سـطح رود نیل، استفاده از آب این رودخانه برای تأمین نیاز ساکنان، این ارگ را با چالشـی بـه مراتب دشوارتر مواجه کرد. از این‌رو، باید راهکار دیگری برای تأمین آب ساکنان آن در نظر گرفته می‌شد. به‌تدبیر قراقوش چاره کار را در این دیدند که چاه‌هایی در قلعه حفـر کنند که چاه معروف به «بئر یوسف» منتسب‌به یوسف بن نجم‌الدین ایـوب (نـام اصـلی صلاح‌الدین)، از جمله آنهاست (ایمن فواد سید، ۲۱۵). بئر یوسف با در نظر داشتن هـر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

دو سطح مختلف ۵۰ و ٤۰ متری آن حدود ۹۰ متر عمق داشت. بئر یوسف همواره سازه انسانی شگفت‌انگیزی برشمرده شده‌است و حتی ناظران معاصر ایوبیان آن را جزو عجایب برشمرده‌اند (نک. بغدادی، ٣٤؛ ابن‌عبدالظاهر، ۱۹؛ مقریزی، *السلوک*، ٦٣/١). برای استحصال آب از چاه عمیق بئر یوسف، تجهیزات خاصی ایجاد شد و بنابر گزارش‌های موجود آب از طریق گرداندن چرخابه‌ای در عمق ۵۰ متری چاه به وسیله گاوی در درون آن به بالا ارسال می‌شد (ابن‌مقفع، ٨٨/٢ ؛ مقریزی، *الخطط*، ٦٤٨/٣–٦٤٩؛ جومار، ٢٣٦–٢٣٨).

با وجود این چاه، اقدامات و تلاش‌های سازندگان قلعه‌الجبل برای تأمین آب توفیق چندان نداشت. بر این اساس، برای انتقال آب از رود نیل تمهیدات دیگری در نظر گرفته شد. به دستور صلاح‌الدین یکی از تأسیسات مهم آبرسانی تاریخ قاهره ساخته شد. این تأسیسات که در تاریخ شهرسازی دوره اسلامی پیشامدرن از جایگاه منحصر به‌فردی برخوردار است، متشکل از آباره‌ها و پل‌های آبرسان و چرخاب‌هایی بود که آب را از نیل به قلعه‌الجبل می‌رساند، بدین ترتیب که برای برطرف کردن مشکل اختلاف سطح زیاد میان رود نیل و قلعه‌الجبل آب رود نیل با استفاده از چرخاب‌هایی به آباره‌های مرتفع جاری می‌ساختند و بعد از رساندن آب به قلعه‌الجبل، در آنجا آب منتقل شده را برای استفاده ساکنان در حجم وسیعی در آب‌انبارهای ارگ ذخیره می‌کردند (برن‌ابویوسف، ۱۲۹). در واقع، چالش تأمین آب برای قلعه‌الجبل منتهی به ایجاد تأسیساتی منحصر به‌فرد در تاریخ شهری مصر و نیز قاهره ایوبی شد، تأسیساتی که در ادوار پیشین نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

بنای سور صلاح‌الدین و پدیداری قاهره بزرگ

یکی از تحولات مهم در کالبد شهر قاهره در دوره ایوبیان افزایش چشمگیر گستره جغرافیایی این شهر بود. در کنار بنیان نهادن قلعه‌الجبل، بنابر سیاست صلاح‌الدین اقدام عمرانی مهم دیگر از طریق بازسازی هدفمند سورهای قاهره به انجام رسید که مسئولیت آن بر عهده بهاءالدین قراقوش نهاده شده بود (ابن‌عبدالظاهر، ۱۹؛

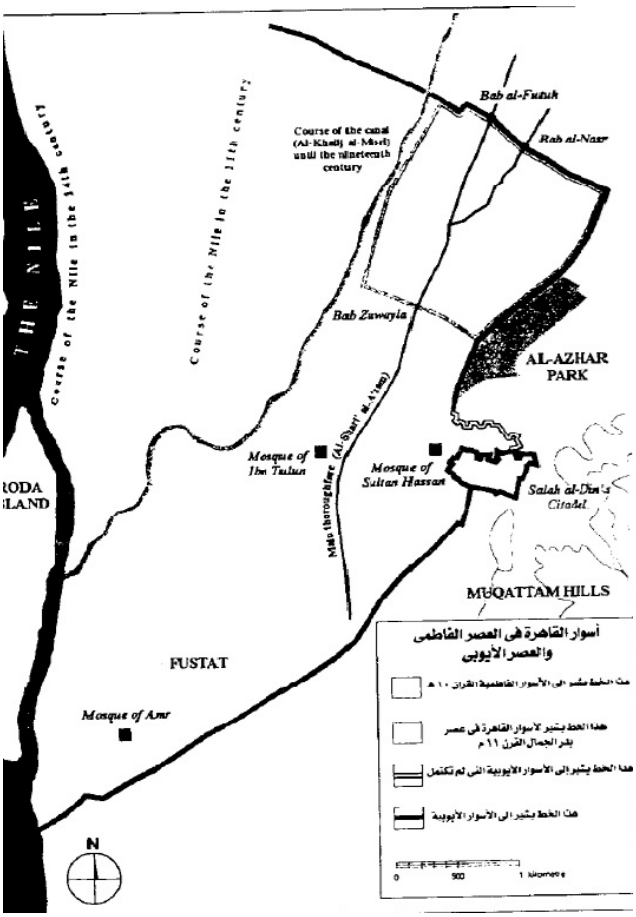
[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

ابن‌تغری‌بردی، ٧٨/٦). بعد از باروهای گلی قاهره نخستین و باروهای سنگی بنا شده در دوره وزارت امیرالجیوش بدرالجمالی بین سال‌های ٤٥٠-٤٥٨، باروهای صلاح‌الدین سومین و طولانی‌ترین بارویی بود که بر گردِ قاهره ساخته می‌شد (عزب، ٩-١٠؛ زکی، *موسوعه*، ١٤-١٥؛ تصویر شماره٤). باروهای بدرالجمالی عمدتاً قاهره فاطمی را در برمی‌گرفت و بدین ترتیب دفاع از نواحی شهری واقع در پیرامون آن را دشوار می‌کرد. تصمیم بر این شد تا سورهای قاهره به شکلی جامع و فراگیر تجدید شوند به‌گونه‌ای که افزون‌بر قلعه‌الجبل، نواحی دیگر شهر مشتمل بر قاهره فاطمی، فسطاط و قطائع را نیز دربرگیرد (مقریزی، *الخطط*، ٢٦٤/٢؛ فولکف، ٨١). با پیوستن همه این مناطق در داخل سورهای متصل به همِ قاهره، عملاً یکپارچگی این مناطق در قامت یک شهر واحد تحقق یافت و تحولی شگرف در افزایش وسعت ارضی شهر قاهره رقم خورد. مسئولیت انجام این طرح متهورانه نیز به مانند بنای قلعه‌الجبل به بهاءالدین قراقوش واگذار شد. با توجه به اینکه سازندگان در تأمین مصالح برای بنای این سورها با محدودیت‌هایی روبه‌رو بودند؛ بنابر گزارش منابع، به دستور قراقوش تعدادی از اهرام کوچک در جیزه تخریب شد (بغدادی، ٣٤؛ مقریزی، *الخطط*، ٦٤٤/٣؛ ابن‌تغری‌بردی، ١٠٩/٦، ١٧٦). برای انتقال احجار این اهرام برای بنای باروها و قلعه قاهره، پل‌های مشهور جیزه (قناطر الجیزه) نیز در آن زمان ساخته شد (ابن‌تغری‌بردی، ١٧٦/٦-١٧٧؛ مبارک، ٢٢/١). با این اوصاف، در نتیجه اجرای این طرح عمرانی بزرگ، باروی یکپارچه طویلی بر گِردِ قاهره کشیده شد که امروزه با نام «سور صلاح‌الدین» یا «اسوار صلاح‌الدین» شناخته می‌شود (نک. کازانوفا، ٤٤؛ Cresswll, 2/41).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]



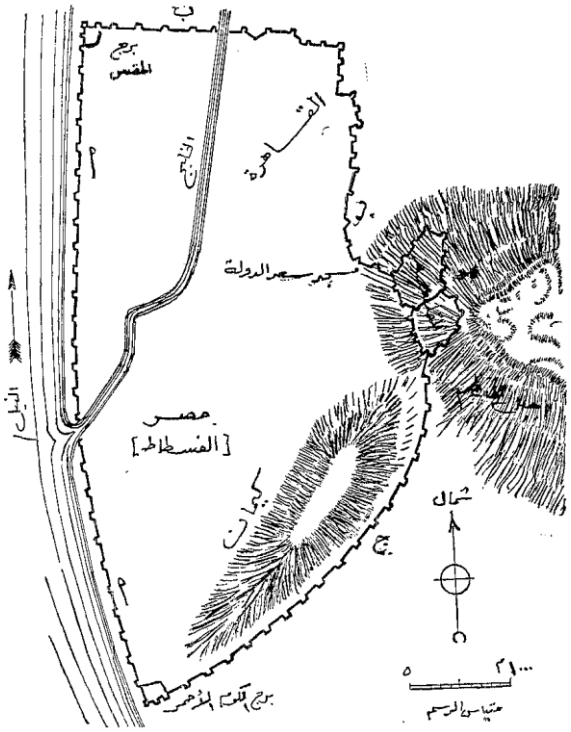
تصویر شماره٤: باروهای قاهره در دوره فاطمیان و ایوبیان (عزب، ۲۷)

بنابر تصریح برخی مراجع، طول سور صلاح‌الدین قاهره حدود ۲۹۳۰۲ ذراع بود که سه قسمت مختلف متمایز از هم داشت. قسمتی از این سور که از قلعه مَقْس تا برج بالکوم احمر در ساحل نیل در جنوب کشیده شده بود به طول ۱۰۵۰۰ ذراع ساخته شد، در حالی‌که بخش دیگر آن از قلعه مقس تا دیوارهای قلعه‌الجبل ۸۳۲۹ ذراع بود و قسمت سوم سور از دیوار قلعه‌الجبل تا برج بالکوم احمر ۷۲۰۰ ذراع طول داشت. افزون‌بر این، طول سورها و باروهای گِردِ قلعه‌الجبل ۳۲۱۰ ذراع بود که آشکارا نشان‌دهنده عظمت طرح عمرانی اجرا شده در قالب سور صلاح‌الدین و نیز افزایش پهنه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

جغرافیایی قاهره در آن دوره است (ابوشامه، ۶۸۷/۱–۶۸۸، ابن‌واصل، ۵۲/۱–۵۳؛ ایمن فواد سید، ۱۹۱؛ قس. ماکنزی، ۹۴–۹۷).



تصویر شماره۵: سورهای صلاح‌الدین (کازانوفا، ٤٦)

طرح توسعه ارضی قاهره ذیل طرح بنای سور صلاح‌الدین از ۵۷۲ تا ٦١٤ به طول انجامید (فییت، ۵۳). به‌واسطه این سورهای جدیدالبناء، شهر قاهره شکل هندسی جدید و متفاوت با ادوار پیشین به خود گرفت (ماکنزی، ۵۵؛ نیز نک. تصویر شماره۵). قرار گرفتن قلعه‌الجبل بین قاهره و فسطاط موجب می‌شد تا قاهره فاطمی واقع در شمال قاهره بزرگ و فسطاط در جنوب آن بیش از پیش بهم نزدیک شوند (برن ـابویوسف، ١٢٦). با بنای سور فراگیر بر گرد همه مناطق قاهره امکان دفاع یکپارچه از آن فراهم شد (کونئو، ۲۳۵–۲۳٦). بدین ترتیب و در نتیجه این توسعه قسمت‌های مختلف شهر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

داخل حصار و باروی طولانی و مستحکمی قرار گرفتند تا امکان پدیداری «قاهره بزرگ/القاهره الکبری» فراهم شود (ماکنزی، ۵۵). باید در نظر داشت که تلاش برای به هم پیوستن شهرهای مختلف واقع در حومه قاهره فاطمی یعنی فسطاط، قطائع و قلعه‌الجبل در کنار قرار گرفتن آنها داخل این سورهای طولانی اولین قدم مهم در ایجاد قاهره بزرگ بود و برای تحقق عینی آن در کنار این مهم، تعداد جمعیت شهر باید در شمار زیادی افزایش می‌یافت تا این نواحی جدا از هم به همدیگر متصل شوند حال آنکه مشکلات و موانع مختلفی از جمله وقوع قحطی سال‌های ۵۹۷ تا ۵۹۸ مانع از تحقق چنین امری شد (نک. ایمن فواد سید، ۱۹۱-۱۹۳). از این‌رو، ناظری مانند ابن‌جبیر، جهانگرد مشهور مسلمان متوفای٦١٤ قلعه‌الجبل را «قلعه القاهره» می‌نامد که به‌نوشته او متصل به شهر قاهره است (ابن‌جبیر، ۲۵). گزارش برخی ناظران مربوط به اواخر دوره ایوبی و دوره ملک صالح نجم‌الدین درباره شهر قاهره و اوضاع آن مؤید این مهم است (نک. ابن‌سعید، ۵/۱-۱۱). با این اوصاف، با توجه به شرایط تاریخی دوره ایوبیان، با بنای سور صلاح‌الدین قاهره علاوه‌بر اینکه یک سپر دفاعی یکپارچه برای مناطق مهم و مرکزی سرزمین مصر ایجاد شد (نک. فهمی، «قلعه الجبل»، ٤٧٩؛ فولکف، ۸۱)، دورنمای توسعه قاهره و تحقق قاهره بزرگ در ادوار پسین‌تر فراهم شد.

تلاش برای تغییر بافتار اجتماعی و فرهنگی قاهره

از سیاست‌های آشکاری که از همان ابتدای تأسیس دولت ایوبیان در ارتباط با قاهره فاطمی پیگیری می‌شد تلاش برای کاستن از جایگاه و اهمیت آن بود. برخلاف دوره فاطمیان، که سکونت مردم عادی در قاهره فاطمی با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود، به صورت هدفمند و با هدف کاستن از اهمیت و اعتبار آن (نک. کونئو، ۲۳۵) به مردم عادی اجازه داده شد تا ضمن سکونت برای خود خانه‌هایی در آنجا بسازند. با چنین اقدامی قاهره فاطمی جایگاه برجسته و ویژه پیشین خود را از دست داد و از شهری سلطنتی به شهری برای سکونت عموم مردم (و طبقات پایین دست جامعه) تبدیل شد. از این‌رو، هم‌زمان با رها ساختن قصور بزرگ فاطمیان به حال خود (نک. سطور

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

پیشین)، برخی از آنها که پیشتر خاندان سلطنتی در آنها سکونت داشتند، بـرای اسـتفاده برخی صاحب‌منصبان ایوبی اختصاص یافت. بـه زودی خطـط، محلـه‌ها و خیابان‌هـای قاهره فاطمی، به دلیل عدم توجه و مراقبت، از شکل پیشین خود فاصله گرفتند و دچـار تغییر و دگرگونی شدند (مقریزی، *الخطط*، ۲۲۳/۲؛ ابوشامه، ۱۹۲/۱). با توجه بـه اینکـه قاهره فاطمی با بنـای قلعـه‌الجبل مرکزیـت اداری ـسیاسی را از دسـت داده بـود، ایـن اقدامات نیز در تضعیف اهمیت آن نـزد مـردم تـأثیر داشـت (ایمـن فـواد سـید، ۱۸۸). افزون‌بر این، با هدف کاستن از اهمیت و تأثیرگذاری فرهنگی و مذهبی جـامع الازهـر، که در دوران فاطمیان به‌عنوان مرکـز مهـم فعالیت‌هـای مـذهبی اسـماعیلیه در قـاهره و سرزمین مصر عمل می‌کـرد (ابوالعیـون، ۱۳، ۱۹-۲۳؛ Hodgson, 2/25)، بـه‌صـورت عامدانه به حال خود رها شد؛ به موازات این اقدام، بنـابر سیاسـتی حسـاب شـده محـل برگزاری نماز جمعه به مساجد مهم دیگر قاهره، به‌ویژه مصر قدیم یا همـان فسـطاط و دو جامع عمروبن‌عاص و جامع ابن‌طولون منتقـل شـد (عنـان، ۱۱۲-۱۱۳؛ احمـد فـؤاد سید، ۹۳-۹۵). روشن است که این اقدامات به معنـی انتقـال مرکزیـت حیـات دینـی و فرهنگی شهر از قاهره فاطمی به فسطاط، یعنی منطقه مهم اهل سنت‌نشین قاهره در ایـن زمان بود.

اقدام تحولی دیگر عصر ایوبیان برای تغییـر بافتـار فرهنگـی و مـذهبی قـاهره، بنـای مدارس متعدد در این شهر بود. به‌رغم اینکه بنـای مـدارس از اواخـر دوره فاطمیـان در مصر و قاهره آغاز شده بود (نک. بیـومی، ۲۳۷-۲۳۸؛ غنیمـه، ۱۲۷-۱۳۲)، صـلاح‌الدین پس از تسلط بر مصر و قاهره راهبردِ گشودن بیش از پـیشِ دروازه‌هـای مصـر بـر روی تحولات فرهنگی و اجتماعی شرق جهان اسلام در این روزگار را پی گرفت که مدرسـه نماد بارز آن بود (نک. انصاری، ۱۰؛ احمـد فـؤاد سـید، ۸٤). در واقـع، صـلاح‌الدین و ایوبیان در ادامه سـنت مدرسه‌سـازی سـلاجقه بـه ابتکـار خواجـه نظام‌الملـک طوسـی (متوفای٤٨٥)، به مدرسه و گسترش آمـوزش مدرسـه‌ای به‌مثابـه مهمتـرین ابـزار بـرای تثبیـت اسـلام سـنی در سـرزمین مصـر و قـاهره می‌نگریسـتند (نـک. فکـری، ١٤/٢؛ Rogers, iv/430؛ Leiser, 35). بر این اساس، جایگزینی مذاهب تسـنن بـه جـای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

تشیع اسماعیلی از عوامل مهم ورود و گسترش مدارس در قاهره و ایجاد هویتی جدید و متفاوت محسوب می‌شود (بیومی، ۲۳۷–۲۳۸؛ فایز الحارثی، ۱۲۰) و از مدارس به‌عنوان بُرنده‌ترین وسیله ایوبیان در مقابله با عقاید اسماعیلی سخن می‌رود (حمزه، ۷۷). در کنار از میان بردن نهادهای مذهبی و کتابخانه‌های بزرگ مشتمل بر میراث ادبی و فرهنگی اسماعیلی در قاهره (نک. سطور پیشین)، تلاش شد تا مدرسه محور فعالیت‌های آموزشی و عقیدتی این شهر قرار گیرد تا به شکلی بنیادین بافتار اجتماعی و طبقات مختلف ساکنان آن را با مذهب تسنن پیوند دهد.

جنبش مدرسه‌سازی در قاهره که توسط صلاح‌الدین آغاز شده بود (ابن‌تغری‌بردی، ٥٥/٦–٥٤، ٧٩) از سوی جانشینان او ادامه یافت. به همین دلیل گاهی دوره ایوبیان به‌عنوان دوره شکوفایی مدارس مصر دانسته می‌شود (انصاری، ۸). این سیاست تا بدان حد در تغییر بافتار فرهنگی و مذهبی قاهره تأثیرگذار بود که بعد از مدتی بی‌توجهی، جامع الازهر مهم‌ترین مرکز تعلیم آموزه‌های اسماعیلی در دوره فاطمیان با تجدید نظر در خصوص آن و تغییر در کارکردهای آموزشی آن توسط ایوبیان، به یکی از مراکز مهم اسلام سنی تبدیل شد (Lewis, 1/205؛ احمد فؤاد سید، ۹۷؛ عنان، ١١٤). نکته قابل توجه اینکه در ادوار پیشین و از جمله دوره فاطمیان، حلقه‌های درس پیروان مذاهب مختلف تسنن اغلب در مساجد برگزار می‌شد اما با گسترش مدارس و آموزش مدرسه‌ای، نهاد مدرسه پایگاه اصلی ترویج و تثبیت تسنن در مصر به مرکزیت قاهره شد (حاجی‌جعفری بیدگلی، ۵۰۹/۱–۵۱۰؛ عنان، ۱۱۵–۱۱٦؛ ابوالعیون، ۱۳–١٤). بی‌تردید تقویت بیش از پیش باورهای مذهبی سنی و زدودن باورهای اسماعیلی از جامعه قاهره و به‌طور کلی سرزمین مصر از جمله اهداف مد نظر از بنای این مدارس بود (حمزه، ۸۲). بنای مدارس متعدد در قاهره، از نظر معماری شهری دلیل دیگری بر تأثیرپذیری قاهره ایوبی از شامات از منظر فرهنگی و تمدنی بود (نک. ایمن فؤاد سید، ۱۹۹). در واقع، مدرسه چه به‌عنوان عنصری معماری و چه به‌عنوان نهادی آموزشی‌ـمذهبی به‌دست ایوبیان در حیات شهری قاهره تثبیت شد (نک. فهمی، «العماره قبل عصر الممالیک»، ۲۳۰). از جمله این مدارس می‌توان به مدارس ناصریّه، قَمحیّه،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

سُیوفیّه، ناصریّه، ملک عادل، کاملیّه و نیز مدرسه صلاحیه در کنار قبر امام شافعی و نیز مدارس فاضلیّه، قطبیّه، عادلیّه اشاره کرد (نک. مقریزی، *السلوک*، ٦٣/١؛ سیوطی، *حسن‌المحاضره*، ١٨٦/٢؛ شلبی، ١٣٠-١٣٢؛ غنیمه، ١٣٣-١٣٧). مدرسه الصالحیه نیز در ٦٤١ توسط الصالح نجم‌الدین ایوب، آخرین سلطان ایوبی مصر بنا شد که به‌مانند مدرسه مستنصریه بغداد به هر چهار مذهب اهل سنت به‌صورت همزمان اختصاص داشت و برای بنای آن به دستور ملک صالح نجم‌الدین بخشی از قصر کبیر فاطمیان در قاهره فاطمی تخریب شد (مقریزی، *الخطط*، ٤٨٥/٤). در ٦٢٢ از سوی ملک کامل محمد، دارالحدیث الکاملیّه در این شهر ساخته شد و بدین‌ترتیب در دوره ایوبیان نهاد علمی و آموزشی دارالحدیث برای اولین بار در قاهره دایر شد (مقریزی، *الخطط*، ٤٩٤/٤؛ احمد فؤاد سید، ٨٧-٨٨). در سایه افزایش تعداد مدارس و مراکز علمی و آموزشی مذاهب تسنن در قاهره ایوبی، این شهر به محل تجمع علمای برجسته تسنن تبدیل شد (نک. احمد فؤاد سید، ٨٥-٨٧؛ ابوالعیون، ٢٣؛ انصاری، ٨-٩). همچنین برای ارتقای جایگاه و اهمیت فرهنگی و مذهبی قاهره برای پیروان مذاهب تسنن، به‌ویژه شافعی‌مذهبان بنای باشکوهی بر روی قبر امام شافعی ساخته شد. این بنا که ساختنِ آن از دوره خود صلاح‌الدین آغاز و در ٦٠٨ به پایان رسید، مشتمل بر گنبد و ضریحی بود که از جمله شاهکارهای بناهای چوبی تاریخ معماری اسلامی دانسته می‌شود و از تربه‌های پیشین ساخته شده در قاهره عظمت بیشتری داشت. بنای باشکوه تربه امام شافعی در قاهره ایوبی را می‌توان به‌صورت نمادینِ نشانه تثبیت اسلام سنی به جای تشیع اسماعیلی در مصر توسط ایوبیان دانست (نک. برن‌ابویوسف، ص١٣٩).

در کنار تحولات معطوف به تغییر ماهیت اجتماعی و فرهنگی قاهره ایوبی باید به بنای خانقاه در این شهر نیز اشاره کرد. ایوبیان، علاوه‌بر مشارکت چشمگیر در گسترس مدرسه در مصر، از حضور پررنگ طریقت‌های صوفیانه در این سرزمین استقبال کردند که در نتیجه آن خانقاه‌های متعددی در این شهر ساخته شد (Cahen, ii/802). با وجود اینکه جریان‌های صوفیه در مصر و قاهره از ادوار پیش شناخته شده بود اما بنابر گزارش‌های تاریخی نخستین خانقاه ساخته شده در قاهره، خانقاه صلاحیه معروف به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

خانقاه سعدالسعداء بود که از سوی صلاح‌الدین ایوبی بنا شد (قلقشندی، ۳۴۳/۳، ۳٦٤؛ ابن‌تغری‌بردی، ٥٥/٦؛ اسحاقی، ۲٦۷؛ نیز نک. احمد فؤاد سید، ۱۱۳-۱۱٤). برای بنای آنجا، محلِ یکی از قصرهای فاطمیان در نظر گرفته شد. این خانقاه که به صوفیان غیرمصری اختصاص داشت از جمله خانقاه‌های مهم قاهره و مصر در آن دوره و ادوار بعدی بود (برن‌ابویوسف، ۱۷). ایوبیان این تصور را داشتند که اشاعه تصوف می‌تواند در نهادینه‌سازی و تثبیت اسلام سنی به جای باورهای اسماعیلی در جامعه قاهره و مصر نقش تعیین کننده‌ای ایفا کند؛ از این رو، در بنای خانقاه در قاهره اهتمام ویژه‌ای نشان دادند تا جایی که حتی گفته می‌شود حدود هفتاد درصد موقوفات دوره ایوبیان به نهادهای مرتبط با تصوف اختصاص یافته بود (نک. Hofer, 61-62, 105-106, 250). در قاهره ایوبی خانقاه‌ها و زاویه‌ها نیز به‌عنوان مراکزی مذهبی و آموزشی در جامعه ایفای نقش می‌کردند و به دنبال آن طبقه‌ای از شیوخ صوفیه در جامعه مصر و قاهره شکل گرفتند که از جمله اشخاص برجسته آن می‌توان به ابن‌فارض اشاره کرد (احمد فؤاد سید، ۱۱۸، ۱۲۲-۱۲۳). در واقع، در شرایطی که تلاش می‌شد با استفاده از محتسب با جاری ساختن شریعت اسلامی با قرائت تسنن در قاهره و مصر اجرایی شود و با مظاهر تشیع و مذهب اسماعیلی مقابله به عمل آید، صوفی‌گری و تصوف مؤید مذهب تسنن نیز با حمایت ایوبیان در قاهره ایوبی رو به گسترش گذاشت (احمد فؤاد سید، ۱۰۷).

آبادانی جزیره روضه و تلاش‌های متأخر ایوبیان برای توسعه قاهره

ملک صالح نجم‌الدین ایوب (حک. ٦۳۷ـ٦٤۷) آخرین فرد از فرمانروایان ایوبی دانسته می‌شود که در قلعه‌الجبل سکونت داشت. تمایل این سلطان ایوبی برای تغییر محل سکونت خود و خاندان فرمانروایی ایوبی فصل جدیدی از فعالیت‌های عمرانی در قاهره را رقم زد و منتهی به آبادانی جزیره روضه شد. با توجه به اینکه جزیره روضه از نواحی پیوسته به شهر قاهره بزرگ است، اقدامات عمرانی در این جزیره را نیز باید به‌عنوان بخش دیگری از اقدامات ایوبیان برای توسعه شهر قاهره به‌شمار آورد. در اواخر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

عصر ایوبیان بنابر خواستِ ملک‌صالح نجم‌الدین در این جزیره، کـه پیشـتر گردشـگاهی برای خاندان سلطنتی بود، قلعه‌ای ساخته شد که به قلعه روضه و گـاهی قلعـه مقیـاس، به‌واسطه نسبت آن به مقیاس رود نیل واقع در ایـن جزیـره موسـوم شـد. بنـابر برخـی گزارش‌های تاریخی به دلیل افزایش بیش از انتظار تعداد مملوکان ترک در سـپاه ایـوبی در این زمان و مشکلاتی که حضور آنها در قاهره ایجاد کرده بـود، ایـن سـلطان ایـوبی درصدد برآمد تا محل دیگری برای اسکان این گروه از نظامیان فراهم کند و بـرای ایـن مهم جزیره روضه در نظر گرفته شد و مقرر شد قلعـه‌ای در ایـن جزیـره سـاخته شـود (مقریزی، *السلوک*، ۳۳۹/۱–۳٤۰؛ ابن‌تغری‌بـردی، ۳۱۹/٦–۳۲۰، ۳٤۱). بـرای بنـای ایـن قلعه به دستور این فرمانروای ایوبی تعداد پرشماری از بناهـای موجـود در آن از جملـه قصرها و نیز مساجد را ویران کردند و ساکنان جزیره را ملزم به ترک منازل خود کردنـد (ابن‌سعید، ۷/۱–۸؛ مقریزی، *السلوک*، ۳۰۱/۱؛ همو، *الخطـط*، ۵۸۲/۳)؛ تـا بـدین‌ترتیـب امکانات و شرایط لازم برای سکونت وی، خاندان حاکمه و نیز ممالیـک وی در جزیـره روضه فراهم گردد (ایمن فواد سید، *القاهره*، ۱۹٦). در واقع تغییر در کاربری این جزیره از مرکزی برای صنایع کشتی‌سازی به محلی برای سکونت توسط این فرمانروای ایـوبی صورت گرفـت (سـیوطی، *کوکـب الروضـه*، ۸٤/۲–۸۵؛ عبـادی، ۲۰/۲). پـس از اتمـام فعالیت‌های عمرانی در جزیره روضه در سال ٦۳۸، ملک صـالح نجم‌الـدین تـرجیح داد محل سکونت خود را از قلعه‌الجبل به ارگ نو ساخته خود در ایـن جزیـره منتقـل کنـد (مقریزی، *الخطط*، ۵۸۲/۳؛ زکی، *موسـوعه*، ۲۱۵). بعـد از قـاهره فـاطمی و قلعـه‌الجبل، جزیره روضه سومین بخش قاهره بزرگ بود که با تصمیم حـاکمیتی ایوبیـان آبـاد و بـه جغرافیای این کلانشهر اسلامی افزوده شد.

با توجه به اینکه ملک صالح در ٦٤۸ و در بحبوحه جنگ هفتم صلیبی تحـت فرمـان لوئی نهم[1] درگذشت، بنابر صلاحدید شجرالدر همسر پـرآوازه ایـن فرمـانروای ایـوبی، مرگ وی پنهان نگه داشته شد و همزمان مقبره‌ای متصل به مدرسه این سلطان در قـاهره

1. Louis IX.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

بنا شد. با پایان یافتن جنگ با پیروزی ایوبیان، جسد وی از جزیره روضه به ایـن محـل منتقل و دفن شد (مقریزی، *السلوک*، ۳۷۰/۱–۳۷۱). این بنا از این جهت در تاریخ قاهره حائز اهمیت ویژه است که طـی آن الگـویی از مقـابر فرمـانروایی پیوسـته بـه نهادهـای مذهبی ایجاد شد که در ادوار بعدی نیز از آن تقلید شد (ایمن فـواد سـید، *القـاهره*، ۲۵، ۱۸۹). شجرالدر نیز بنای مشابهی مشتمل بر مدرسه و مقبره را بـرای خـود در قبرسـتان سیده نفیسه بنا کرد (برن‌ـابویوسف، ۱٤٦–۱٤۷). با وجود اینکه فاطمیان بنیان‌گـذار ایـن شهر بودند و آن را به یکی از مراکز مهم تمدنی جهان اسلام آن روزگاران تبدیل کردند، اما با تغییرات و تحولاتی که صلاح‌الدین ایـوبی و جانشـینان وی در ایـن شـهر از نظـر بافت شهری و فیزیکی و بـه‌ویژه فرهنگـی و مـذهبی ایجـاد کردنـد، هویـت جدیـد و متفاوتی بدان بخشیدند که طی ادوار بعدی و تاکنون معرِّف این شهر بوده‌است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

نتیجه

قاهره در عصر ایوبیان یکی از مهمترین ادوار تاریخی خود را از سر گذراند که طی آن بر اساس سیاست‌های ایوبیان مبنی بر فاطمی‌زدایی و تبدیل آن به شهری با وجهه سنی، هویت جدید و کم و بیش کنونی شهر قاهره شکل گرفت. عامل سیاست و قدرت سیاسی ایوبیان در سه بعد متفاوت در تحول بافتار شهر قاهره و شکل‌گیری هویت جدید این شهر تأثیر گذاشت. قاهره به واسطه بنیان نهاده شدنِ قلعه‌الجبل، در کنار توسعه ارضی و فیزیکی، از شهری صرفاً در دشتی هموار به‌صورت شهری مشتمل بر مناطق مسکونیِ کوهستانی و دشت هموار درآمد. بنای باروهای طولانی و مستحکم موسوم به سور صلاح‌الدین بر گِردِ نواحی قاهره متشکل از قاهره فاطمی، فسطاط، قطائع و نیز قلعه‌الجبل، در کنار ارتقای استحکامات دفاعی شهر زمینه شکل‌گیری قاهره بزرگ در ادوار پسین را فراهم کرد. همچنین با هدف ایجاد و تثبیت تغییر گسترده در ترکیب جمعیتی قاهره، قاهره فاطمی به روی عموم مردم و سکونت مردمان عادی و اصناف مختلف در آن گشوده شد. به‌رغم کاسته شدن از اهمیت سیاسی و اداری این بخش از قاهره در مقایسه با عصر فاطمیان، همچنان به‌عنوان مرکز اقتصادی مهم پایتخت سرزمین مصر و ایوبیان جایگاه خود را حفظ کرد. با توجه به اینکه اراده سیاسی ایوبیان بر این قرار گرفته بود تا قاهره به مرکزی فرهنگی و دینی برای مذهب تسنن درآید، با بنای مدارس متعدد و ارتقای جایگاه عالمان سنی و گِرد آمدن آنها در قاهره ایوبی، با زدوده شدن سابقه اسماعیلی و فاطمی قاهره، این شهر به یکی از مراکز مهم آموزشی و مذهبی برای اهل سنت در مصر و جهان تسنن درآمد؛ جایگاه و مرکزیتی که طی ادوار بعدی و تاکنون حفظ شده‌است. بر این اساس می‌توان گفت ایوبیان با تغییر و دگرگونی در بافتار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قاهره، بنیانگذاران قاهره پسا فاطمی یا قاهره با وجهه و ماهیت سنی بودند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

منابع

- ابن‌مقفع، ساویرس، تاریخ بطارکه الکنیسه المصریه، نشر أنطوان خاطر و ازولد بورمستر، قاهره، مطبعه المعهد الفرنسی للآثار الشرقیه بالقاهره، ۱۹۷۰.
- ابن‌تغری‌بردی، أبوالمحاسن، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره، مطبعه دارالکتب المصریه، ۱۹۳٦/۱۳۵۵.
- ابن‌جبیر، محمد بن احمد، رحله ابن‌جبیر، بیروت، دارصادر، [بی‌تا].
- ابن‌حماد، ابوعبدالله محمد، اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، تحقیق و دراسه التهامی نقره و عبدالحلیم عویس، قاهره، دارالصحوه، [۱۴۰۱].
- ابن‌زولاق، حسن بن ابراهیم، فضائل مصر و اخبارها و خواصها، تحقیق محمد علی عمر، قاهره، مکتبه خانجی، ۱۴۲۰.
- ابن‌سعید الأندلسی، المُغرب فی حلی المغرب، الجزء الاول من قسم الخاص للمصر، قاهره، مطبعه جامعه فؤاد الاول، ۱۹۵۳.
- ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل، الروضتین فی أخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه، تحقیق ابراهیم زیبق، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۷/۱۴۱۸.
- ابن‌ظهیره، الفضائل الباهره فی محاسن مصر و القاهره، تحقیق مصطفی السقا و کامل المهندس، [قاهره]، مطبعه دارالکتب، ۱۹۶۹.
- ابن‌عبدالظاهر، عبدالله، الروضه البهیه الزاهره في خطط المعزیه القاهره، تحقیق ایمن فواد سید، قاهره، الدار المصریه اللبنانیه، ۱۹۹۶/۱۴۱۷.
- ابن‌واصل، جمال‌الدین محمد، مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تحقیق جمال الدین شیال، قاهره، [بی‌نا، ۱۹۵۳].
- ابوالعیون، محمود، الجامع الازهر نبذه فی تاریخه، قاهره، مطبعه الأزهر، ۱۹۴۹/۱۳۶۸.
- احمد فؤاد سید، تاریخ مصر الإسلامیه زمن سلاطین بني أیوب (٥٦٧-٦٤٨ه)، قاهره، مکتبه مدبولی، ۲۰۰۲.
- أحمد، أحمد عبدالرزاق، العماره الأسلامیه فی مصر، قاهره، دار الفکر العربی، ۲۰۰۹/۱۴۳۰.
- اسحاقی، محمد عبدالمعطی، لطائف الأخبار الأول فیمن تصرف فی مصر من أرباب الدول، تحقیق محمد رضوان مهنا، منصوره، مکتبة الایمان، ۱۴۲۰.
- اعظمی، محمد حسن، عبقریه الفاطمیین، [مصر]، منشورات دارمکتبه الحیاه، [۱۹۶۰].
- انصاری، حسن، «دین و دولت در دولت‌های آل‌زنگی و ایوبیان»، کتاب ماه دین، شماره ۱۰۴-۱۰۶،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

خرداد-مرداد۱۳۸۵ش، ص۶-۳۳.
– ایمن فواد سید، القاهره خططها و تطورها العمرانی، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، ۲۰۱۵.
– برن-ابویوسف، دوریس، معماری اسلامی در قاهره، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، مؤسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری، ۱۳۹۱ش.
– بغدادی، عبداللطیف، کتاب الإفاده والاعتبار، تحقیق یم ماکنتوش- سمیث، نیویورک، مکتبه العربیه، ۲۰۲۱.
– بیومی، علی، قیام الدوله الأیوبیه فی مصر، [القاهره]، دارالفکر الحدیث للطبع و النشر، ۱۹۵۲.
– جومار، وصف مدینه القاهره و قلعه الجبل، ترجمه ایمن فواد سید، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۸۸/۱٤۰۸.
– حاجی‌جعفری بیدگلی، شبنم، «معماری روزگار زنگیان و ایوبیان»، مجموعه هنر در تمدن اسلامی، معماری، زیر نظر مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، سمت، ۱۳۹۷ش.
– حمزه، عبداللطیف، الحرکه الفکریه فی مصر فی العصرین الأیوبی و المملوکی الأول، [قاهره]، دارالفکر العربی، ۱۹۶۸.
– زکی، عبدالرحمن، القاهره، مصر، الدار المصریه للتألیف و الترجمه، ۱۹۴۳/۱۳۹۲.
– ــــــــــــــــ، موسوعه مدینه القاهره فی الف عام، قاهره، مکتبه الانجلو المصریه، ۱۹۶۹/۱۳۸۹.
– سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، حسن المحاضره، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۷/۱۴۱۸.
– ــــــــــــــــ، کوکب الروضه فی تاریخ النیل و جزیره الروضه، تحقیق محمد الشّشناوی، قاهره، دارالأفاق العربیه، ۲۰۰۲/۱۴۲۲.
– شلبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، پارسی کرده‌ی محمد حسین ساکت، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۷ش.
– الصیاد، نزار، «مدل‌سازی شهرهای اسلامی»، ترجمه مریم قیومی، گلستان هنر، شماره ١٤، ص٥٥-٦٤ ، ۱۳۸۷ش.
– عبادی، احمدمختار، تاریخ الایوبیین و الممالیک، بیروت، دارالنهضه العربیه، ۱۹۹۵.
– عزب، خالد، أسوار القاهره فی العصر الأیوبی، قاهره، دار زهراء الشرق، ۲۰۰۶.
– عنان، محمدعبدالله، تاریخ الجامع الأزهر، قاهره، مطبعه لجنه التألیف و الترجمه و النشر، ۱۳۹۱.
– غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

– فایز الحارثی، عدنان محمد، عمران القاهره و خططها فی عهد صلاح‌الدین الأیوبی، قاهره، مکتبة زهـراء الشرق، ۱۹۹۹/۱۴۲۰.

– فضلی، زینب، «نسبت دوره فاطمیان و تاریخ تمدن اسلامی»، تاریخ و تمدن اسلامی، سال ۱۹، ش۴۲، ص۶۳-۹۱، ۱۴۰۲.

Doi: 10.30495/jhcin.2023.22304

– ـــــــــــــ، «قاهره فاطمی: از شهری سلطنتی تا مرکزی تمدنی برای جهان اسلام»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، دوره ۵۷، شماره۲، ص۲۳۱-۲۵۸، ۱۴۰۳؛

Doi: 10.22059/jhic.2025.387443.654547

– فکری، أحمد، مساجدالقاهره و مدارسها، الجزء الثانی العصر الأیوبی، [بی‌جا]، دارالمعارف، ۲۰۰۸.

– فولکف، أولج، القاهره مدینة الف لیله و لیله، ترجمـه أحمـد صـلیحه، قـاهره، الهیئـه المصـریه العامـه للکتاب، ۱۹۸٦.

– فهمی، عبدالرحمان، «العماره قبل عصر الممالیک»، القاهره تاریخها فنونها و آثارها، اسکندریه، [بی‌نا]، ۱۹۷۰.

– ـــــــــــــ، «قلعه الجبل»، القاهره تاریخها فنونها و آثارها، اسکندریه، [بی‌نا]، ۱۹۷۰.

– فییت، جاستون، القاهره مدینه الفن و التجاره، ترجمه مصطفی العبادی، قاهره، الهیئه المصریه للکتـاب، ۲۰۱۵.

– قلقشندی، أحمد، صُبح الأعشی، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۹۲۲/۱۳٤۰.

– کازانوفا، پول، تاریخ و وصف قلعه القاهره، قاهره، المکتبه العربیه، ۱۹۷٤/۱۳۹٤.

– کوننو، پائولو، تاریخ شهرسازی جهان اسلام، ترجمـه سـعید تیـزقلم زنـوزی، تهـران، شـرکت عمـران و بهسازی، ۱۳۸۴ش.

– گرابار، اُلگ، شهر در جهان اسلام، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، بصیرت، ۱۳۹۰ش.

– ماکنزی، نیل دی.، القاهره الأیوبیه، دراسه طبوغرافیه، ترجمه عثمان مصطفی عثمـان، قـاهره، المجلـس العلی للثقافه، ۲۰۰۷.

– مبارک، علی پاشا، الخطط التوفیقیه الجدیده لکصر القاهره و مدنها و بلادها القدیمیه و الشهیره، بـولاق، مطبعه الکبری الامیریه، ۱۳۰۶.

– مقریزی، تقی‌الدین، اتعاظ الحنفاء باخبارالائمه الفاطمیین الخلفاء، تحقیق جمال‌الدین الشـیّال، قـاهره، المجلس الأعلی للشئون الاسلامیه، ۱۹۹۶/۱۴۱۶.

– ـــــــــــــ، السلوک لمعرفه دول الملوک، تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور، [قاهره]، دارالکتب و الوثائق القومیه، ۲۰۰۷/۱۴۲۷.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]

– ـــــــــــــــــــ، المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والاثار، حققها ایمن فواد سید، لندن، موسسه الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۹۹۵/۱۴۱۶.
– AlSayyad, Nezar, "Space in an Islamic City، Some urban design patterns," *Journal of Architecture and Planning Research*, vol. 4, no. 2 (1987), p. 108–119.
– ————, *Cairo Histories a City*, Cambridge, 2013.
– Cahen, "Ayyūbids", *EI*^{2}, vol. ii, Leiden، Brill, 1986.
– Creswell, Keppel Archibald Cameran, *The Muslim architecture of Egypt*, vol. 1 New York، Hacker Art Books, 1978.
– Hodgson, Marshall G. S., *The Venture of Islam*, Volume2،The Expansion of Islam in the Middle Periods, University of Chicago Press,1977.
– Hofer, N., *The popularisation of Sufism in Ayyubid and Mamluk Egypt, 1173–1325*, Edinburgh University Press, 2015.
– Lane-Poole, Stanley, *Saladin and the fall of the Kingdom of Jerusalem*, New York، Gordias press, 2008.
– Leiser, G., The Madrasa and the Islamization of the Middle East the Case of Egypt. *Journal of the American Research Center in Egypt*, vol. 22, pp. 29–47, 1985.
– Lewis, Bernard, "Egypt and Syria", *The Cambridge History of Islam*, ed. By P. M. Holt, vol. 1, pp. 175-230, Cambridge University press, 2005.
– Rogers, J.M., "Al-Ḳāhira", EI^2, vol. iv, Leiden، Brill, 1997.
– Russell, Dorothea, "Are There Any Remains of the Fātimid Palaces of Cairo?" *Journal of the American Research Center in Egypt*, vol. 3, 1964.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOI: 10.61186/islamhistory.1.53.5]